

## رؤیت خدا در پرتو آیات و روایات با تأکید بر نظر متکلمان و عرفا

مینا شمخی

نانسی ساکی

### چکیده

ظاهر شماری از آیات قرآن بر رؤیت خداوند در قیامت دلالت دارد مانند آیه: «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ أَلِيٌّ رَّبِّهَا نَاطِرَةٌ» (قیامت/ ۲۳-۲۲)؛ اما ظاهر برخی دیگر آیات از جمله آیه: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ» (انعام/ ۱۰۳) رؤیت خداوند را انکار می‌کند. آیه «أَلِيٌّ رَّبِّهَا نَاطِرَةٌ» (قیامت/ ۲۳) از مهم‌ترین آیات مورد اختلاف مفسران اشاعره، معتزله و امامیه و نیز عرفا می‌باشد. در این آیه شریفه چستی معنای واژه‌های «الی» و «ناظره» مورد دقت مفسران قرار گرفته است. این آیه با عطف توجه به واژه «ناظره»، یکی از مستندات فائیلین به جواز رؤیت خداوند از جمله اشاعره می‌باشد. مفسرین معتزله و امامیه ضمن تبیین معنای صحیح آیه، قول اشاعره را نادرست اعلام کرده‌اند اما خود در بیان معنای آیه دچار اختلاف شده‌اند. در بیان عرفا، مفهوم رؤیت و نظر با آنچه که متکلمان برداشت می‌کند متفاوت است؛ رؤیت همان علم شهودی و حضوری است که جز به خود انسان و متعلقات او تعلق نمی‌گیرد. در این پژوهش به روش اسنادی و کتابخانه‌ای، به شیوه تحلیلی و مقایسه‌ای، سعی در بیان و بررسی اقوال مختلف مفسران داشته و با جمع‌آوری تمام احتمالات معنایی به همراه گونه‌های مختلف عقلی - نقلی به بررسی و تبیین این آیات پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که امکان «رؤیت خدا» با چشم سر، چه در این دنیا و چه آخرت، امکان‌پذیر نیست و نظر صحیح، انتظار کشیدن رحمت، ثواب و نعمت‌های خداوند می‌باشد.

### کلید واژه‌ها:

قرآن، آیات متشابه، رؤیت خداوند، عقل، روایت، عرفا.

۱ - عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران. نویسنده مسؤل: m.shamkhi@scu.ac.ir

۲ - عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران.

## پیشگفتار

### ۱. بیان مسأله

بحث از هلا رتج ، لقاء الله و رؤیت هلا ، یکی از مباحث همیشه دل انگیز و سرسبزی است که در بسطی از چه زه های علوم اسلامی جای یزد ای خچ د گشور ده لمتد . د ر فلسفه ، کام ، تفسیر ، عرفا ، تاریخ اسلام ، حدیث ، فقه و حتی هنر اسلامی این موضوع هر رد بحث هلا ر گرفته است .

موضوع رؤیت حق تعالی د ر دیدگاه های تفسیری و کلامی امامیه ، معتزله و اشاعره د ر دو نقطه متضاد با یکدیگر هلا ر دارد . معتزله و امامیه از عدم رؤیت هلا ر سخن می گویند و آن را بر ادله عقلی و نقل اسوه ر می سدلند . اشاعره بر امکان رؤیت حق تعالی د ر دنیا و وقوع قطعی آن د ر آخرت هلا ر دارند و آن را محصول هلا ر اهر آیات و نص ص هلا ر اتر و عقیده سلف قلله د می کند (نچر زادگا ۸۶ ، ۱۱۴) . به هلا ر قطع ، این زلع دیرینه ر آیند مبانی و پیش فرض هایی است که سطح پنهانی این تقابل و نتایج آن را سامان می ده . تقریبا همه متکلمان هنگام و د به بحث رؤیت هلا ر ، به تحریر محل هلا ر ع ر ه داخه لند (قوشچ ، بی ۱ ، ۳۲۷۴۲۸ ؛ طویح ، ۱۳۵۹ ، ۱۸ ، ۳۱۶۴ ؛ فاضل مظه ۱۳۶۵ ، ۱۳۸ ؛ جرجان ، بی ۱ ، ۸ ؛ ۱۵۶۱۶ ؛ اشعور ۳۶۲ ، ۱۳ ، ۱ ؛ حکم ۳۸۶ ، ۱ ، ۶۷) . طرفا و رؤیت حق را نوعی مکاشفه می دانند که اگر حلا بر د داشته شو د ، صاحب این علم ظه ر حقد ر اشیا را آشکارا و عیان می یلد ، چنانکه شک و شبهه به آن راه نمی یلد . بر ای دلی که به هلا ر دگیهای دنیا زنگ ر بر نگرده ، حصول اینر رؤیت ممکن لمتد . به همان ملا زه که قلب روشن و پاک می شو د ، با جانب حق رو یرویی می رگد د و هلا ر حقایق به آن می تابند (فویلا ، ۱۴۰۹ ، ۱۶۰) . آنچه د ر تبیین سخن عرفاد ر این لره می هلا ر ان بیان ر د ، این است که رؤیت هلا ر ، شه د هلا ر اوند ر قلب و دل و با فنای مرتبه بشریت د ر مقام ربوبیت است که طرفان این ونع دیدن را غالبا با عذ ان لقا یا فنای د ر حقیقت تعبیر می کنند .

### ۱-۱. پیشینه پژوهش

همزمان با شوع تفسیر هلا ر آن و بحث آیات محکم و متشبه ، بحث رؤیت هلا ر نیز مطرح شده لمتد . این بحث بین متکلفا ، مفسرنا ، طرفا ، ره رخین و حتی فقها ز و ران صحابه و تابعان تا امروزه مطرح ده لمتد . اشاعره ، معتزله و امامیه هر لکه ام دیدگاه های هلا ر ص خچ د راد ر این لره ارایه ، و دلایل عقلی و نقلی مختلفی بیان نو ده لند . از پژوهش های اخیر د ر این لره ، به هلا ر د زیر می هلا ر ان اشا ره نمو د :

«در رسی و نقد دلیل عقلی اشاعره در اثبات رؤیت خدا از نص الله حکم» «در رؤیت خدا اونداز نظر اشعری از محمد بن یحیی» «مسالو رؤیت خدا در تفاسیر قرآن و حدیث طبق نظر اشاعره و معتزله از مصطفی نظی» «توطر نظریه اشاعره در باره رؤیت خدا از محمد بن نجفی و نرگس بهشتی» «در رسی نظریه کلامی فتح رازی و علامه طباطبایی در باره رؤیت خدا از سید رضا ب» «در رسی و ارزیابی تطبیقی از مبانی و ادله نظریه رؤیت حق تعالی از فتح الله بن زادگان» «در رؤیت حق تعالی از دیدگاه عرفان اسلامی و مقایسه آن با برخی دیدگاه‌های کلامی و تفسیری مشهور راز پروین نبیلا» «در رنج است علی راجعاً توسط حضرت مویله (ع) در تطبیق و مقایسه میان قرآن و ویرات از احسان وید ر اسماعیل» «حدیث رؤیت از شهاب الدین وحیدی مهرچ دی و مریم خاتمی» «معناشناسی و اژه رؤیت با تأکید بر مسالو رؤیت الله از احسان وید ر اسماعیل»

در هر یک از این پژوهش‌ها، از شاخه و منظر خاصی به موضوع رؤیت حق «در داخته شده

مقدمه. اماد ر این پژوهش‌ها، ش شده است نظرت متکلمان، فلاسف، عرفا و مفسران در باره این موضوع بر رسیده و هو اه با دلایل عقلی و نقلی تحلیل شوند

### ۲-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

ضورت بحث از موضوع رؤیت حق «در رسی و ارزیابی مبانی و پیش فرض‌های تفسیری، کلامی و عرفانی می‌باشد. این موضوع محمل تظو ب آرا است و از رهگذر آن می‌توان بیش از هر موضوع دیگری به مبانی فرق اسلامی راه یافت و آنها را به محک نقد راد. همچنین با مشخص شدن این موضوع، تفسیری درست از آیه قابل فهم می‌باشد و این تفسیر صحیح می‌تواند چرخه را، بر ای پویندگان راه حق ر

### ۳-۱. تاریخچه بحث

در رؤیت ازو اژه‌ها و اصطلاحاتی است که حتی پیش از اسلام رادیان مسیحیت و یهودیت مطرح بوده است و در قرون اولیه اسلام در بحث و رسی ر گرفته است و در سده دوم و سوم هجری قمری به و اج ر رسیده و بحث در باره آن ادامه یافته‌است. همین امر سبب تشکیل فرقه‌ها و گروه‌های مختلفی رگ دیده‌است. این مساله بیشتر در رجه‌های اجد، کلامی و عرفانی تحلیل و نقد شده‌است (وحیدی مهرجویی و همکاران ۱۳۹۵، ۲۱۷، ۱). به لحاظ تاریخ، در سده اسلام و هم زمان با نزول بعضی آیات قرآن کریم (قیله ۳ ۲۲۴) و آیات موبط به حضرت مویله (ع) در کوه طر (ابوال ۴۳، ۱)، بحث رؤیت خدا مطرح بوده و همچنان ادامه یافته‌است. شکل کلامی بحث در قرون دوم آغاز و در قرن سوم و چهارم گسترش یافته و در قرون بعدی و مناقشات و مباحثات

بسیار بزرگ هید (حکمه ۳۸۶، ۱، ۶۶). در واقع همه فرق اسلامی به نحوی وارد بحث ویت شده اند (پو ریچ ۳۷۵، ۱، ۵۶) و رفته رفته این موضوع، حجم عظیمی از آذر و مباحثات تفسیری، کلامی و عرفانی را به خود اختصاص داده است.

## ۲. مفهوم شناسی واژگان

### ۱-۲. نظر

۱. نَظْرًا: بزرگ داندن و توجه دادن چشم ظاهر و چشم باطن را دیدن و ادراک چیزی است که مقصود از این عمل تأمل و تحقیق درباره آن است. مقصود از دیدن و تأمل بدست آوردن معرفت و شناختی است که بعد از تحقیق حاصل می‌شود و آن را «رویه» یعنی اندیشه و تدبیر گویند.

۲. نَظْرًا: بصیرت یا دیدن با چشم عقل در نزد خاصه (شیعیان) بکاربردش بیشتر است. لغویون می‌گویند: «نظرت الی لک» وقتی است که بنگری و چشم بگذری چه او را به بینی و چه ندیده باشی.

«وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ أَلِيًّا رِبَّهَا نَاطِرَةٌ» (القیامه/۲۳-۲۴) که اگر بگوییم - نظرت الی لک - یعنی چشمت را به سوی او دوخته‌ای چه بینی چه ندیده باشی، اما - نَظَرْتَ الی لک - یعنی چشمت را به سوی او دوخته‌ای چه بینی و چه ندیده باشی، اما - نَظَرْتُ فِيهِ - یعنی او را دیدم و اندیشیدم. اما - نظرت - فی‌ه یعنی او را ببینی و در باره‌اش تدبیر کنی. (بلغ ۴۱۲، ۱، ۸۱۲؛ فیه ۴۱۰، ۸؛ طریح ۳۷۵، ۱، ۴۹۸؛ ابن منظر ۱۴۱۴، ۵: ۲۱۵)

۳. نظر به اوند به بندگانش همان احسان و افاضه نعمت‌هایش بر آنهاست، چنانکه در باره گروهی که عهد بخدای و سوگندهای خود را به مدح کم‌بهای دنیا می‌فروشد مشمول رحمت خداوند در قیامت نخواهند بود. «وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (آل عمران/۷۷)

۴. نَظَرُ بِه معنی انتظار: «أَنْتَظِرُ إِنْ أُنْظِرُنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ» (الاعراف/۱۴)

۵. تاخیر و درنگ و مهل: «قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ» (البقره/۵)

عوازه نَظَرُ بِه معنی تحیر و شگفت زدگی در کارها به کار می‌رود. «قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ» (البقره/۵)

### ۲-۲. درک بصر

«كَلِمَاتٌ رُكَّةٌ الْأَبْصَارُ وَهَوَايَةُ رُكَّةٌ الْأَبْصَارُ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» (انعام/۱۰۳)

برخی «كَلِمَاتٌ رُكَّةٌ الْأَبْصَارُ» را به چشم ظاهری که عضو بدن است حمل کرده اند یعنی: چشمهای ظاهری بخدای را نمی‌بینند و بعضی دیگر، ابصار را بر بصیرت و دید دل حمل کرده اند.

و ژاؤه بصو: البصو، (چشم و دیده) در این آیه «كَلَّمَحَ الْبَصَرَ (نمل/ ۷۷)» (مانند یک چشم بهم زد) و آیه «ذُذَاغَتِ الْبَصَرِ» (انعام/ ۱۰۳) زمانی که دیدگان خیره شوند. بصوؤه و بصو، نیروی بینایی چشم و لطف خدا را که دل ملتد، مانند آیه «فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَ كَفَبَصَرِكَ الْيَوْمَ حَلِيمٍ» (ق/ ۲۲) (یعنی تیز بین، و نیروی بینایی)

در باره دیدن خدا ای با چشم سر به صورت احتیاج فرموده ملتد. «لَأَلْتَهُ رُكُوءُ الْبَصَرِ وَهُوَ يُرَى الْبَصَرِ» (انعام/ ۱۰۳) (او را دیدگان سرد نمی‌کنند او دیدگان انسانها را که می‌کند) در اسلاس این آیات و استدلال عقلی بدیهی است که هرگز محیط بر محیط نمی‌تواند احاطه یابد و سلطه و اقتدار آفریدگار نهد در مکان و نهد در زمان محو است بلکه در سر پهنه آفرینش است و آیه «وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَهُوَ يَوْمَئِذٍ مُبْتَلِي» (بقره/ ۲۵۵) بهترین شاهدیقت و وجود پروردگار در سر اسرف آخنای آفرینش است و چیزی هم شبیه او نیست که دیده شود چون فرمود «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (شوری/ ۱۱). متاسفانه در طول تاریخ اسلام در تعبیر لپو ای از آیات بطور معجزه و بدون توجه به سایر آیات که تمام وقت آن را در آن مسائل و رد توجه در دهند از معانی بدیهی آنها چشم پوشی شده است.

### ۳. دیدگاه متکلمان

یکی از مباحثی که در میان اشاعره از یک سو و معتزله از سوی دیگر رد اختلاف و بحث در گرفته ملتد. مسئله رؤیت خدا اوندود ملتد. اشاعره قائلند که در جهان آخرت انسانها می‌توانند خدا را با چشم سر رؤیت کنند و بر ای اثبات مدعای خویش به آیاتی از قرآن استدلال کرده اند از سوی دیگر معتزله و امامیه معتقدند که دلایل متلعه عقلی بیانگر آن است که رؤیت خدا اوند با چشم سر محال می‌باشد. نهد در دنیا و نهد در آخرت و خنوخ نهد داد. افزون بر آن آیات و ولایت نیز موید این مطلب است

### ۳-۱. دیدگاه معتزله

امامیه و معتزله اتفاق نظر دارند که خدا اوند سبحان با چشم دیده نمی‌شود، نهد در دنیا و نهد در آخرت. اما در اینکه چگونه بوسیله قلب دیده می‌شود یا خیر، اختلاف نظر دارند. بسیاری از معتزله مانند ابو الهذیل غفلا، معتقدند از طریق قلب قابل رؤیت است به این معنی که ما بوسیله قلب خدا را خواهیم شناخت. اما برخی مانند عبد بن سلیمان و فوطی این موضوع را منکر شده اند. قاضی عبد الجبار با اقامه بر همین عقلی و نقلی به اثبات رأی معتزله می‌پرد. وی به آیه «لَأَلْتَهُ رُكُوءُ الْبَصَرِ وَهُوَ يُرَى الْبَصَرِ» (انعام/ ۱۰۳) استشهد می‌نماید و می‌گوید: هرگاه خدا را با بصر مقلرن شود به جز دیدن احتمال دیگری نهد و دو پروردگار علم دیدن خود را با چشم نفی نموده است یعنی

بخد اوند بخد دلبد ان سوت ده است که بصر به ادراک او یعنی همانز ویت دست نیلید . هرگاه کسی اینگونه با نفی چیزی از بخد، خویش را بستاید ، اثبات آن د ر ادامه آیه «وَهُوَ كَيْدُ رَكُ الْأَبْصَارِ» بیان یک کاستی و موجب نکوهش است و بخد اوند از هر چی نکوهش و کاستی و آرد، منزه است مگر نمی- بینید بخد اوند بخد د را به نفی همسر و رفو زند و بخد ب سوت ده و فرود د «مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلًا» (بخد ۳) و «لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَمٌّ» (بقره ۵۵) (عبد الجبار، بی، ۱، ۲۳۳)

قاضی عبد الجبار رد ای رد استدلال مخالفان از آنها سواد می کند : وجه استدلال به این آیه چیست ؟ چگونه دانسته شد که نظر به معنی ویت است ؟ آنها می گویند : به ماه نظر که دم و آن را ر ویت نکر م . هر گاه دو کلمه (نظر و رمی) دارای یک معنی باشند تناقص پیش بخد اهد آمد یعنی ر ویت که دم پسر ویت که دم و این جایز نیست

قاضی رد ای اثبات ادعای خویش به این آیه استدلال می کند . «وَرَأَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ» (اعراف ۹۸) بخد اوند نظر را اثبات می کند ولی ویت را نفی می کند . اگر دو کلمه را مؤدبانه لغت . مثل آن است که بگویند تو را می بینند و تو را نمی بینند و تناقض د ر گفتار بخد اوند خلاف واقع لغت . پس معنای (نظ) د ر آیه مذکور چیست ؟ می گوئیم به معنای انتظار است و مثل این می ماند که فرود ده باشد «وجوه یومئذ ناضره و لیل ب ربها منتظوه» د ر آنو ز اشخاصی ثلثان هستند و د ر انتظار لپاش پو ردگولند . سپس دو آیه دیگر د ر آن ذکر می کند که کلمه (نظ) به معنی انتظار لغت : «فَنَظَّوْهُ إِلَى مَيْسَرَةٍ» (بقره ۲۸۰) و «فَنَظَّوْهُ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ» (نمل/ ۳۵) (عبد الجبار، بی، ۱، ۲۳۴)

### ۳-۲. دیدگاه اشاعره

اهل الحدیث و اشاعره با این که بخد د را اهل تنزیه ، و بخد اوند را منزله از جسم و جهت می دانند معتقدند بخد ، بخد اوند ر قیامت رد ای مومنان آشکار می شود د و آنها میوت اند بخد ا را ببیند ، اما د ر باره کفر چون بخد اوند متعال می فرماید : «كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ» (مطفف/ ۵) آنها د ر آن و زاز پو رگراشان محجوبند . کفر از ویت پو ردگور د ر آخرت ممنوعند

اشعری می گویند : «معتقدیم که بخد اوند متعال د ر آخرت با چشمها دیده می شود د، چنان که ما د ر شب چهاردهم دیده می شود د، مومنان او را می بیند ، همان طو ر که و لایت رسیده از پیامبر (ص) این معنا را می رساند» (بخد ۴۰۱ ، ۱ ، ۴۳+۴۴ ، ۱ ، ۱۷۹ : ۵ ، ۱۷۹+۸۰ : ۱ ، مسلم ۳۳۴ ق ۱ : ۱۱۳).

البته این و لایت ضعفها و مشکلات رفوانی دارد (سبحان ۴۱۴ ق ۲ : ۲۴۲) اشاعره رد ای اثبات مدعای خویش ر ویت بخد اد ر قیله ( به آیتاتی از رفوان استدلال که اند که

مهم ترین آنها عبارتند



فروه ۵: «تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ» (مطففین/۲۴) و نیز فروه ۵: «وَلَقَاهُمْ نَضْرَةٌ وَسُورًا» (دو ۱۱) و صف حال طائفه ای که در قیامت گشاده رویند (طباطب/۴۱۷:۸:۲۴).

و داز «نظر که دن به بخد ای تعالی» نظر که دن حسی که با چشم سر انجام می‌شود نیست، چون برهان قاطع قائم است بر محال بود دن دیه شدن بخد ای تعالی، بلکه و د نظر قلبی و دیدن قلب به وسیله حقیقت ایمان ملقده، همانطور که در همین عقلی هم همین را می‌گوید و اخبار رسیده از اهل بیت عصمت (ع) هم بر همین لایات دارد. نظر که دن به آیت‌های بخد اوند عینا نظر که دن به صاحب آیت است و این طایفه در حقیقت جز به پو ردگار بخد د نظر نمی‌کند (حویق) ۴۱۵:۵-۴۶۵-۴ (۴۶)

آیت الله مکارم شیل زی نیز نگاه را با چشم دل و شهود باطنی دانند و جمع بین شهود قلبی و انتظار را منتفی نهد. لذت البته نظر اول را ترجیح می‌دهد و می‌گوید: در بعضی از آیات که در تفسیر این آیه آمده است می‌خوانیم: آنها نظر به رحمت بخد اوند و نعمت او و وادب او می‌کنند چرا که نگاه به اینها نیز گاه به ذات ملقده س اول ملقده. در روید «نُظُّ» به معنی انتظار، می‌گوید: جمع میان معنی «نظر که دن» و «انتظار داشت» نیز بعید به نظر نمی‌رسد زیرا استعمال لفظ واحد را معانی متعدده د جائز ملقده، اما اگر بنا شود یکی از این دو معنی منظور باشد ترجیح با معنی اول ملقده (مکارم شیل ۳۷۴، ۲۵:۱) (۳۰۵)

طبرسی نیز وجوه مختلف معنی این واژه را در رسیده روی می‌دهد. در باره آیه «الی ربها ناظرو» مفسران اختلاف نموده اند و بر دو وجه ملقده: ۱. یعنی نگاه که دن چشم ۲. یعنی انتظار (طبرسی ۳۷۲، ۲۶:۱) (۱۲۴)

۱. کسانی که حمل بر نگاه که دن چشم نموده اند بر دو قول اختلاف کرده اند: فلالا: یعنی مقصود و و د دیدن به سوی وادب پو ردگار که نعیم بهشت باشد. و و داز وجوه هم صاحبان وجوه چهره‌ها است و این معنی از جماعتی از علماء تفسیر و مفسرین از اصحاب پیامبر (چون ابن عباس و عبد الله بن مسعود و غیرهم) و تابعین آنان (چون سعید بن جبیر و قدده و دیگران) و آیت شده ملقده. پس مضاف حذف و مضاف الیه جای آن را گرفته است.

چنانچه در قول بخد ای تعالی «و بجد عکوبه»؛ یعنی امر ربک و قول او و «أَنَا دَعُوكُمْ إِلَيَّ الْعَزِيزِ الْعَلَّامِ» (غلو ۲۴:۴) یعنی به سوی طاعت و عبادت عزیز غفور و توحید و قول او ب: اینکه «نُظُّ» به معنی ویت و دیدن باشد. یعنی بخد را مشاهده که دن و این قول را از کلبی و مقاتل و عطاء و آیت کرده اند که بخد د بر دو نوع ملقده: دیدن با چشم سر و بخد اوند تعالی منزله است از اینکه اشاره به چشم شود چنانچه اجل از این است که اشاره با انگشتان کرده د



نظرد ر لغت الهدو ویت نمی کند. زیرا که آن وقتی متعلق به چشم شد الهده طلب ویت می کند چنانچه وقتی متعلق به قلب شد الهده طلب معرفت می کند.

۲. و اما آنان که «نَظًّا» را به انتظار حمل کرده اند در معنای آن به چند قول اختلاف کرده اند:

فلا : یعنی منتظروا بپو ردگردند و این معنی از مجاهد و حسن و سعید بن جبیر و ضحاک و ایت شده که آنها از علی (ع) و ایت کر ده اند

ب: به معنی نعمت، اینکه حمل شود به (إِلَّا) در قول مجاهد «إِلَى رَبِّهَا نَاطِقَةٌ» بر اینکه آن اسم باشد و آنو احد و مؤد (لَا) که نعمت است باشد

ج: ابی مسلم گوید: اینکه به معنای آرزومندی و امیلا ری به تحدید که امت باشد چنانچه گفته می شود. (عینی مملو ده الی الله تعالی و الی فلان؛ چشم من امیلا ر به سوی مجدی تعالی و یا فلانی ملقه) و (ذا شاخص الطرف الی فلا) و چون چشم بعضی از اعضاء صورت و چهره است نظری را که به سبب چشم واقع و حاصل می شود به چشم اضافه کرده است

تمام عدلیه (از معتزله و امامیه) گفته اند که جایز است «نَظًّا» حمل به هر دو معنی شود و ورد ای ما هم مانع از حمل آن بر هر دو وجه نیست پس گویا اینکه مجاهد اوند سبحان اراده کرده که ایشان نظر می کنند بهو ابی که بر ای ایشان آمده شده در حال از اقسام نعمتها و انتظار دارند امثال آنها را مرتبا و دائما تا اینکه تمام و کامل شود بر ایشان آنچه را که استحقاق آن را از احتیاج و تعظیم دارند.

پاسخ اینکه: ز بیشتر علمای کلام و اصولیون در اصول فقه جایز است که هر دو معنی (حقیق و مجازی را) به یک لفظ اراده بکنند و این را ابوهاشم جایز نمی داند مگر اینکه دو بار تکلم کند. به یک بار نظر را قصد کند و به بار دوم انتظار

بعضی در اضافه نظر بوجه گفته اند که چون غم و خوشحالی، در چهره ها و صورتها ظاهر می شود در مجاهد اوند سبحان بیان فرمود که وقتی مومن وارد قیامت می شود در چهره اش گشاده و فرحنا ولی کافر گنگر می ترسد کيفر و مجازات کاهای زشتش را پس چهره اش گرفته و سوخته می شود و اوست قول مجاهد ای سبحان «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ» یعنی سوخته و گرفته و دگرگون «تَنْظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَلِقْوَةٌ» (القیله ۵۲)؛ یعنی دم داند و یقین دارد که او را چنان کيفر و مجازات می کنند که کمرشان می شکند مجاهد اوند سبحان این چهره هایی که گمان دارند که در دوزخ در مقابل چهره هایی که امید و انتظار دارند (طبریزی ۳۷۲، ۱: ۲۶، ۲۶، ۱۲۲۴)

به طر و ویژه به مجاهد ای خود می نگرند و به هیچ چیز دیگری نمی نگرند و معنای تقدیم داشتن مفعول همین است و تقدیم به معنای اختطص دلالت می کند. مانند «إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (العم ان

۲۸/ و «إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ» (قِيْلَهُ ۲ ۱) مختص رِک دن به آقا، اگر دیدنش به د باشد ، محال است پس ضو رتا باید آن را حمل بر معنایی رِک د و این معنا همان است که و دم می- گویند ، الی فلان ناظر ما یصنع بی ؛ من به فلانی می نگرم که با من چه می کند که به داز نظرد ر اینجا چشم داشت و امید است .

در رو آیه «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ أَلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ» طبرسی و فخر رازی از ابومسلم اصفهانی نقل می کنند که می گوید تفسیرش این است که : «إِلَّا ر و نیکاندر قیامت - مومله لتجدید الکر امه-د ر چهره شان آرزومندی و امیلا ری به تجدید بخشایش و رِک امت الهی دیده می شود ، چنانکه می- گویند ، چشم به به د اوند متوجه است و چون چشم عضوی از چه ه آدمی است و بعضی از اعضاء رخلدر و چهره است به آن اضافه شده» پس وجوه یا وچ د و توجه شخص انسان امیلا ری به رحمت و نعیم حق بارد و سخن از دیدن و ندیدن به کلی و راز معنی و مفهوم آیه  
ملقه وبلغه ۴۱۲ ق ، ۴ : ۳۶۴ (

### ۵. رؤیت خدا از نگاه عارفان

یکی از دلایل عرفانی رو ویت به ، دلیل لذت ملقه . برخی از طرفان لذت و امیال را به سلسله و اتب زمانی و متناسب با رشد فردی و علمی تعریف می کنند و نیل به ویت به ای تعالی را برترین لذت بر می شمرند . و الی لذت شناخت و معرفت را بالاترین لذت در دنیا بر می شمرند. اما نسبت آن را با لذت نظر به وجه الله تعالی قابل مقایسه نمی د اند  
او همچنین لذت نظر به وجهه الکریم را تنهاد ر جهان آخرت جایز می داند . بنابر این قلمرو ر ویت به از د و الی چه از منظر طرفانه او آخرت ملقه . البته این با ر با نظر عرفا و عشاق که نگریستن به به ای تعالی را از طریق دل در این دنیا و ایم دانند ر تناقض ملقه . سخنان و الی در هر رو ویت به ای تعالی چنین ملقه : «ملکوت اولذت بخش ترین چیزها د رزد د دل است چو ا که این میل شدیدترین امیال ملقه ؛ و از این روست که در آخر و پس از دیگر امیال آفریده می شود . و هر میلی که آفرینشش به تأخیر افته ، نسبت به میل پیش از چو د قوی تر ملقه» (فخوال ، ۱۴۰۹، ص ۶  
۱۵ (

از نظر وی معرفت و شناخت ، گر چه لذت عظیمی بارد اما قابل قیاس با لذت نظر به وجه الله- الکریم در جهان آخرت نیست که این امر در دنیا به سبب رازی که اکنون کشف آن ممکن نیست قابل تصور نمی باشد و سودا ر نیست که از مفهوم نظر ، آنچه که و ام و متکلمین ر داشت می کنند ر داشت شود چو ا که در رذ د ایشفا ، نظر د ر تقدیرش محتج جهت و مقابله است و لذت آن کس که نظر می کند کسی است که عجز و قصور ، او را در محو ده عالم ظاهر نگاه داشته ، به گونه ای که

و افتراز محلوده محسوسات که سوتران نیز تقدیر به ادراک آلوده، نیز اهدیتف. لکن بنوا راست دانسته شد که در قلب غوی، صورت و هیأت شگفت انگیز حضرت ربوبیت، بر بهاء و عظمت و جلال و مجدش انطباق داشته‌اند. (بخوال، ۱۴۰۹، ص ۱۵۷)

بخوالی‌رب این اعتقاد است که رؤیت را از آن روی که در چشم نگاه شده بدین نام بخوانند، چرا که اگر در پیشانی نیز آفریده شده بود دل‌بزر رؤیت نام نگاه می‌شد، بلکه از آن جهت که غایت کشف است آن را رؤیت نام نگاه‌اند و از این روست که بخوالی تعالی می‌فرماید: «لن‌تروا» (اعفا/ ۱۴۳) و نیز می‌فرماید: «لألمت رکه‌الابصار» (انعم/ ۱۰۳) و هنگامی که پس از مرگ این حجاب به کلریم و د، عین همین معرفت به مشاهده مبدل می‌گردد، و مشاطات هرکسی به بقا معرفتش بخاهدود؛ و لذلالت اولیاءالله در نظر بکنه، بر لذت‌سایرین برتری می‌یابد و این‌گونه است که جز طرفان او را نمی‌بینند از این روست که معرفت مستلزم وجهه مستقیم با وجه الله نمی‌باشد. رب‌ای محبت‌نشانه‌های زبیدی است از جمط، شوق به لقاءالله و عدم بکاهت از بهت مگراز جهت اشتیاق به فزونی معرفت، می‌باشد، و همان‌لذت مشاهده به بقا در کمال معرفت است که بخود آغاز مشاهده‌ده و به یقین دارای درجات مختلف است و از نشانه‌هایش رضا به قضا و بقا در الهی‌لمتد. (بخوال، ۱۴۰۹، ص ۱۵۸)

تا حق بخود را نمایند و رؤیت حاصل نگردد که انسان بخود به پای بخود از رؤیت نامحود رالمار. این است قول ذ‌النون مصری: «پو ردگرم را به وسیله پو ردگرم دیدم و اگر پو ردگرم مرا بینا نمی‌ساخت، بر دیدن پو ردگرم تقدیر فرم» (ملاصدرا، ۱۳۶۱، ج ۱)

## ۶. نقد و بررسی

با توجه به معانی «نَظَّ» مفسران چند تفسیر بر ای‌آیه «الی‌ربها ناظو» بیان کرده‌اند: گروهی از مفسرین «ناظو» را به معنی انتظار دانسته‌اند (انلا رکن ۴۰۸ ق ۲: ۵۶؛ طویح، بی‌۱: ۱۹۷):

### ۶-۱. انتظار کشیدن، و این تفسیر با دو قرینه تأیید می‌شود:

فلا. تفسیر لیم، مطابق معنای لغوی آن‌لمتد. شیخ طوسی می‌گوید در کلام ب «نَظَّ» به معنی رؤیت بدست نهم آید بلکه طلب رؤیت است چون یکی از معانی «نَظَّ» سوی چیزی خیره شدن به هدف نگریستن در آن‌لمتد. بوب‌گویند: «نَظَّت الی‌الهِلالَ فَلَما و» به سمت هلال نگریستیم اما آن را ندیدیم یا گویند «وانظر حتی‌قی» بنگر تا ببینی. همچنین فرموده است «يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَعْشِيِّ عَلَيْهِ» (محلله ۲۰) مانند کسی که به حال بیهوشی مرگ افتاده به تو می‌نگرند. پس معنای

حقیقی «نظ» انتظار متمد . فخر راجی (فخر راجی ۴۲۰ قلا ، ۳۰: ۷۳۰) همین قول را از ابوعلی لمرسی نقل می‌کند و آیه «وَرَبَّاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ» (ابو اف/ ۹۸) را به عنایت او می‌داند .

ب. با توجه به سیاق و تقابلی که بین دو آیه و دو آیه بعد از آن وجود دارد «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بِأَسْوَدَ \* تَنْظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَلِقَةٌ» (قیامت/ ۲۴-۴۵) ؛ در آن و از صورت‌های در هم کشیده متمد نیز آمده . دانند ابی در روایت او انجام می‌شود که پشت او در هم می‌شکند ؛ اینجا آیه مقابل یکدیگر را

دا	رند	بدین	معنا	که
	وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ نَقَطَةٌ مَقْلَبَةٌ ، وَوَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ		بَاسِرَةٌ	هـ
	الِي رَبِّهَا نَاطِقَةٌ نَقَطَةٌ مَقْلَبَةٌ ، تَنْظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا		فَاقِرَةٌ	هـ

حاصل معنای چهار آیه این است که در روز قیامت مردم به دو دسته وارد محشر می‌شوند . گروهی با چهره‌های شاد ، خرم و زیبا و گروهی دیگر با چهره‌های غمگین و افسرده و عودس . گروه نخست در انتظار پادشاه و رحمت خداوند ، و گروه دوم در انتظار کیفر و عتاب او هستند «تَنْظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَلِقَةٌ» یعنی : چون مردم دانند که عتاب بر آن‌ها وارد می‌شود ، پس در انتظار عتاب هستند این در روایت کلان او در مقابل مومنان را دارند که منتظر رحمت و نعمت الهی هستند .

پس این آیه نمی‌تواند دیدگاه اشاعره را تأیید کند . و همچنین عقیده بوئیت به تناقض با آیه «لا لبس لك الا بصرا» می‌انجامد ، چرا که این آیه عموم است و تخصیصی نپذیرفته متمد . تخصیص بوسیله «الی ربها ناظو» با توجه به سبک کلام همگون نیست و در سوی دیگر آیه فرموده «وجوه یومئذ باسو» به هر حال آنجا که خداوند سخن از بیم کلان به میان آورده نه از محروم بودن آنان از رؤیتلا زمزمه آید در سوی دیگر سخن از انتظار پادشاه باشد نه برچرخداری از رؤیت تا در سوی سخن هماهنگ شوند . چهره غیر این صورت از نظر سخنران کلامی معهود بود .

«الی ربها ناظو» یعنی الی و بربها منتظو . در این نظر (لا) حرف جر و کلمه و برب یا نعمت در تقدیر گرفته شده متمد . پس معنی آیه می‌شود : یعنی «عاه ای پیوسته در انتظار رحمت خداوند هستند» . نخستین کسی که تبیین این وجه را داشته متمد . سید مرتضی در کتاب الآمالی او دیده و در باره آن در تفاسیر اشعار او کوتاه نموده (سید مرتضی ، بی ۱ ، ۴: ۱۲۵)

۲-۶ . رؤیت :

«ناظو» به معنای نگاه کردن و دیدن متمد . و کلام هیچ تقدیری را رد و معنای حقیقی رؤیت مقصود آیه می‌باشد . دیدن ، خود در دو قسم متمد : دیدن با چشم ظاهری و معنای لای : مومنان در روز قیامت خود را خداوند را می‌بینند . این قول از کلبی و عطاء نقل شده و بیشتر اهل تسنن و اشاعو ، قائل

به امکان رؤیت خدا و مشاهده حسی خداوند و زقیامت شاه لذ (طبریه ۳۷۲، ۱، ۳: ۷۳۰؛ طویب، بی ۱، ۴: ۲۲۳). این سخن باطل‌لمتد. تقریباً تمام مفسران در کتب تفسیری خود این قول را رد کرده‌اند. به دلایل متعدده عقلی که دال بر استحاله رؤیت خداوند است و لزوم چنین مشاهده‌ای جسم‌بودن، مکان داشتن، جهت داشتن و دارای احوال بودن است و ذات‌لمتد س‌الهی از این نوع پاک و منزله‌لمتد. چنانکه آیات متعدده از قرن کریم روی مسئله نفی رؤیت خداوند با چشم ظاهری تکیه کرده است که از جمله آنها همان آیه «كَلِمَاتُ رَبِّكَ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُرَى الْأَبْصَارَ» (انعام ۱۰۳) و آیه «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (شوری ۱۱) است.

اگر «ناظره» به معنای دیدن باشد، یعنی کلام تقدیری را رد اما نوع رؤیت با چشم سر و حسی نیست بلکه مقصود رؤیت قلبی می‌باشد و باید آیه را تأویل کرد. بنابراین معنای آیه می‌شود: بهشتیان به خداوند می‌نگیرند نه با چشم سر بلکه با چشم قلب و حقایق ایمان که در این صورت محسوس می‌شوند. و لذا اعمدات در تفاسیر معاصر مانند مکارم شیلخ (۳۰۷: ۱، ۳۷۴؛ مکارم شیلخ ۳۷۴، ۱، ۲۵: ۳۰۶) خود (طباطبایه ۳۷۴: ۱، ۳۰۷؛ مکارم شیلخ ۳۷۴، ۱، ۲۵: ۳۰۶) می‌گویند:

۳-۶. «ناظره» به معنای دیدن‌لمتد، منتهی مضافه‌ای حذف شده است مانند آیه «بِأَعْيُنِنَا» یعنی امر ربک و کلمه‌ی «ب» در تقدیر است منظر از «الی ربها ناظره» «الی و ب ربها ناظره»‌لمتد. و یعنی به‌و ب و نعمت که خداوند در بهشت به آنها عنایت فرموده نظر می‌کنند و مقصود از و ب نفس ماکولات و مشروبات و نعمتهای بهشتی است که در رؤیت و ب می‌گردد (چلچلی ۳۸۲۴۹: ۱).

۴-۶. معنای طمع و چشم‌داشت در لفظ ناظره تضمین شده و با «الی» متعدی شده چون (نَظَرٌ) به معنی انتظار با «الی» متعدی نمی‌شود و در این صورت به معنی رؤیت‌لمتد. پس معنای آیه می‌شود: آنها چشم‌آرزو و طمع خود را نسبت به هر چیزی غیر از خداوند بسته‌اند و فقط به او امیدوارترند نه هیچ‌کس دیگر. مانند قول زمخشری در پاسخ می‌و آن گفت هم ازرق آن و هم شعر جاهلی استعمال لفظ نظر با «الی» و خود دارد. ملن: آیه «فَنَظَرُ إِلَى مَيْسَرَةٍ (بِقَوْلِهِ ۲۸۰) نظر به معنای انتظار و متعدی به الی شده‌لمتد (طویب، بی ۱، ۱۰: ۱۹۸) (

۵-۶. جمع میان رؤیت و انتظار: بنا بر قول طبرسی که استعمال لفظ واحد در معانی متعدده جایز‌لمتد. اینگونه معنا می‌شود: و آنها به نعمتهای پورددگشان نگاه می‌کنند و منظر نعمتهای بعدی هستند (طبریه ۳۷۲۳: ۱، ۳۳۱؛ ۷۳۰) (

#### ۷. بررسی آیه دوم

اماد روی رد آیه دوم، اشاعره بدون دقت در آیت دیگر، که مشابه آیه ۱۴۳ بود روی افلاک

این « لفتد ، مسئلئ ویت بد را مطرح کند ه لند زید اگر د ر آیت (بقو ۵ ۵)، (نسل ۱۵۳)، (بقو ۱ ۵ ۵) دقت شود، روشن می شود که حقیقت لیه، چیز دیگری لفتد . با این توضیح که، الا: وقتی قوم حضرت مویله (ع) آگاهی یافتند که بد او ند با او تکلم و مناظرت نو ده لفتد ، به موسی گفتند: ما ایمان به تو نیج و لا بد ، تا کلام بد را همان ط ر که تو شنیدل ، ما نیز بشنویم ، حضرت مویله (ع) از میان بی او ائیل هفتد نفر رار د ای میقت با پو دگر انتخب نو د. آن ها وقتی به واقعیت تکلیم بد با موسی پی ر ه لند ، گفتند: «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْوَةً» (بقو ۵ ۵) ما ایمان به تو نمی ریم تا این که بد را آشکر ا بینیم

حضرت موسی نیز از زبان قوم خود آن هم نه ر ای خود بلکه ر ای قوم خود آن هم پس از آنکه پاسخی به ایشان داده و آنها نپذیرفته بود دند این تقاضا را ر بد او ند نو د زید ا جمعی از جاهلان بنی اسرائیل اصل ر داشتند که باید بد را ببینند تا ایمان بیا رند و او ملو ریت داشت که این تقاضا را مطرح کند ، تا پاسخ کافی بشنو د .

ر ویت بد او ند مستلزم جسم بود دن او است و بد او ند منزله از جسمیت لفتد ، و نموده ان گفد: حضرت مویله (ع) که یکی از پیامبر ان اول العزم است متوجه این مسئله نو ده است .

ادامه این آیه (لن تر یان) و آیت دیگر، به خوبی یگ اهی م دهد که خدا را به هیچ وجه نموده ان با چشم ظاهری لید ، چه لو اژه (ل) ر د ای نفی ابلیم آید ؛ یعنی تو مو ا نه د ر این جهان و نه د ر جهان دیگر ، هرگز نخ اهی دید و به معنای (لا ر انی لبد ا) لفتد . مانند «لَنْ يَخْلُقُوا ذَبَابًا» (ج ۳ ۷) و معلوم است که چون موسی فت اند او را ببیند دیگر ان نیز د ر این و ایت چشم طمع فت اند دوشه . بدین سان لیه ای بد ان چنگ آیت اند به دلالت بر نفی سوا رتر است تا اثبات. چه خلو انو ویت خود را بر امری محال معلق داشته لفتد . و استقر ر کوه ر حال زل ش محال لفتد . عقیدو ویت همانند عقیده به رف زند داشتن بد او ند و حتی از آنهم رف اتر است چه اینکه د رف ض عقیده و دمان به رف زند داشتن بد او ند ، کوه ر آستانه فروپاشی بود داماد ر همگام این د رخ است ویت این ر بط د به وقوع پیوست و احتمال وقوع تا وقوع فاصله بسیلر دلش . با توجه به «تکاد السعوات یتفطرن منه»

همچنین مویله (ع) گفت «رِنِي أَنْظُرُ كَلِيَّةً» (بقو ۴۳ ۱) و (نظ) چیزی جز ویت لفتد . برخی گفته اند: مویله (ع) از پو ردگر خود بد است با اظلم ر برخی از نشانه های آجت که ناگزیر به معرفت انجامد و از استدلال بی نیلز کند خود را علمی ضو ری دهد تا هر رت دید و شک و شبهه از میان بود رست مانند لیه اهل (ع) از بد او ند خود استهود د به او نشان دهد که چگونه و دگان را زنده می کند (سید مرتضی ، بی ۱، ۴: ۱۲۵)

به با و عرفا، در حقیقت، حقتعالی با تجلی خود در قلب انسان کامل صفت و اسماء خود در او می‌نمایاند؛ به گونه‌ای که چنین انسانی هر گاه خود را می‌یابد، خطه‌ها را می‌یابد. چنین انسانی کاملترین نسخه تجلیات الهی و جامعترین مرتبه از مراتب هستی است که ابن عربی (۱۳۰). چنین انسانی که مظهر تام صفت حق گشته‌اند، هر وصفی که بر او حق توصیف می‌کند، وصف خود است، جز وصف و چه بخلص نجات، پس چون خود را می‌بیند، او را می‌بیند و چون او را می‌بیند، خود را می‌بیند (هنا). آنچه در تبیین سخن عرفاد در این باره می‌توان بیان کرد، این است که ویت - که همان علم شهودی و حضور است - جز به خود انسان و متعلقات او تعلق نمی‌گیرد. اکنون انسانی که تمامی وجودش به دلیل مظهریت صفت حق، حقانی گشته‌اند، در واقع هر گاه که خود را می‌بیند، با او را می‌بیند و هر گاه اراده می‌کند با او را ببیند، در حقیقت خود را دیده‌اند. این است معنای فرمایش حضرت رسول اکرم (ص): من رأی فقد رای الحق (جامع الصغیر ۱۳۲۱ به نقل از ملاطه و ۱۳۶۱: ج ۲، ص ۴۲۰). چرا که خود را دیده قلب پیامبر (ص) ظهور کرده است و در او همین با او اندر رفته آن کریم می‌فرماید: «همانا کسانی که با تو بیعت میکنند، با ما بیعت می‌کنند؛ دست خدا بالای دست ایشان است» (بخ ۱۰)؛ چرا که دست پیامبر (ص) به دلیل وجود حقانی او دست خدا (هنا)

#### ۸. بررسی روایات

اشعری غیر از حدیث ردیاد شده به برخی از وایات (بخ ۴۰۱، ۱: ۱۴۳، ۵: ۱۷۹، ۸: ۱۷۹) نیز تمسک می‌جوید، که شاید مهم‌ترین زمینه‌های این اندیشه روی بوده‌اند. این وایات ضمن این که در تضاد با صریح حکم عقل می‌باشند، مخالف با تفسیر برخی از اصحاب و زیدکان رسول (ص) از سخنان آن حضرت نیز می‌باشد. عایشه همسر پیامبر در رد این سخن با رسول (ص) با او اندر مشاهده نمودند، به آیه "لا تَرَكَ الْأَبْصَارَ" استدلال می‌کند. اهل بیت پیامبر (ص) نیز با رد این سخن که پیامبر در شب مولود با او دیده، این مشاهدات را تأویل به مشاهدات قلبی نمودند. امام طالق (ع) به معاویه بن وهب چنین فرمود: «ای معاویه! پیامبر (ص) هرگز با او اندر با چشم سر نماند. ولد آن که ویت بر دو قسم است: ویت قلبی و ویت و ویت چشمی و جسمانی، هر کس ویت با چشم رون و قلب را قصد کند رست گفته و هر کس ویت و مشاهده با چشم سر را قصد کند، دروغ گفته و کفر بر او رزیده‌اند» (مجلس ۴۰۴، ۱: ۳۶).

## ۸. دلایل عقلی بر عدم امکان رؤیت

عقل نیلر رؤیت حق تعالی را ناممکن می‌داند و دلایل زیر را ارائه می‌دهد :

۱۸. هولو ره چیزی قابل رؤیت است که جسم باشد ، به گونه‌ای که او را منعکس کند و او را به چشم بتلا ، و چون بخا اوند جسم نیست بنرا این دیدن او غیر ممکن بخا اهدود د .

۲۸. زمه دیده شدن یک چیز ، بخا ر گرفتن آن د ر جهت و سمت معینی لمقد . تا چیزی د ر جهت خاصی بخا ر نگوخ د ، دیدن آن ممکن نبخا اهدود د و می‌دانیم که بخا اوند جهت‌لا رد .

۳۸. د ر صو ت دیده شدن بخا ، یا تمام ذات او قابل مشاهده است و یا قسمتی از ثلثه . د ر صو ت اول بخا ارا محفود و متناهی رکه ده ایم ود ر صو ت دوم بخا ارا قابل قسمت و مرکب دانسته‌لخ ، که هر دو بخا ارا محال لمقد (بویع ۳۹۳ ، ۱ ، ۲۳) . با وچ د این دلایل اگر بخا کسی بخا است بگوید که «نظ» د ر این آیه به معنای دیدن و نگاه رکه دن لمقد ، د ر آن صو ت باید گفت مقصود از دیدن بخا ، نگرستن با چشم دل لمقد ؛ همان گونه که امیر المومنین (ع) به این معنا اشاره نو هذ : «چشمهای سو ، او را د رک نمی‌کنند اما چشمهای دل به حقایق ایمان او را می‌بیند » (کلینی ، ۱۳۶۲ ، ۱ : ۹۸ ؛ صدق ۱۳۸۸ ، ش ، ۱۲۲) . همچنین د ر و ایات رفوا انی از اهل بیت علیهم السلام به مسئله رؤیت قلبی و این که مومنان خالص مروت اوند بخا اوند را با مشاهده قلبی د رک کنند اشاره شده لمقد ، که معنای آن پی‌رد دن به آلا ر بخا اوند متعال است و این مسئله با دیدن بخا اوند با چشم ظاهری کاملاً متغیا ت لمقد . ذعلب یمانی از حضرت علی علیه السلام بو ال می‌کذ : ای امیر مومنا ! آیا تا کنون بو ردگرت را دیلخا ؟ حضرت فرود د آیا چیزی را که نمی‌بینم پرستش کم ؟ ذعبل ، می‌پرسلی : چگونه او را می‌بینی ؟ حضرت فرود د : چشم‌های ظاهر با مشله ه حسی آن را نمی‌بیند ، و لکن قلب‌هایی که حقایق ایمان را د رک رکه اند او را د رک می‌کنند (نهج البلاغه ، خطبه ۱۷۴) . د ر و ایتی از امام رضاع (د ر معنی آیه «الی ربها ناظ ه» نقل شده که فرود ه لذ : د ر انتظار پادش پو ردگرت بخا باشند (طبری ۳۸۶ ق ، ۱ ، ۱۱۴ ، ۲ : ۹۱ ؛ آلوسی ، ۴۱۵ ق ، ۱۵ : ۱۶۰) . د ر تفسیر قمی نیز این آیه به همین صو ت تفسیر شاه ، و جوه یومئذ ناخره ای مشرقه الی ربها ناظ ه قال ينظرون الی وجه الله الی رحمة الله و نعمة (قلا ۳۶ ، ش ، ۲ : ۳۹۷) . د ر تفسیر از ابن عباس ، حسن بصی ، عمو ، مجله ، قده ه ، لشم ، ابن جوج ، ابو صلح ، ضکا ، کلی ، ابن مسیب و سعید بن جبیر و علی (ع) آمده لمقد : «و جوه یومئذ ناخره ه» یعنی چهره‌هایی پرفوغ ود ر انتظار پادش پو ردگرت بخا باشند (علم الهل ۹۹۸ م ، ۱ : ۲۸ ؛ طوسی ، بی ، ۱ ، ۱۹۹ ، ۱۹۷۴ ؛ طبری ۳۷ ، ش ، ۱۰ : ۱۹۶) .

## نتایج

بر اساس مطالب گفته شده ، نظ ت مختلفی د ر ره رد آیه «الی ربها ناظو» مطوح لمقد ، مالذ :



رؤیت حقیق و رؤیت قلبی و رؤیت وُجُوب، انتظار وُجُوب و چشم دلشد؛ بر اساس استدلال‌هایی که بیان شد به نظریه آید مفهوم دستند، انتظار کشیدن رحمت وُجُوب و نعمت‌های بخشنده اوند باشد. (۱۱)

اسم و اگر به معنی نعمت و مفعول ناظره باشد که با سیاق آیه، بقا اعداد ادبی و سخنان مفسرین همخوانی دارد، گرچه برخی مفسرین از جنبه ادبی بیان بقا آنی غفلت‌ورزیده یا به لوقا الضعیف استدلال‌ها دارند. سایر نظرات نیز دچار اشکالات مفهومی یا لغوی می‌باشد یا نیز به تقدیر گرفتن دارند که خلاف اصل است و استعمال یک لفظ در دو معنا به قرینه نیز دارد. معنای ترجیح داده شده علاوه بر بی‌نیازی از تقدیر با اصول ادبی و لغوی سازگار است و در تبیین آن، مجاز و تاویل کاربرد دلاله در بیان عرفی، مفهوم رؤیت و نظر با آنچه که متکلمان با دارند متفاوت است و نیز به وجهه و روی‌رویی مستقیم با وجه الله نمی‌باشد. منظور از رؤیت باطن، شهود اوند در قلب و دل و با فنای مرتبه بشریت در مقام ربوبیت است که عرفان این‌گونه دیدن را غالباً با عنوان لقا یا فنای در

حقیقت                      تعبیر                      می‌کنند

- ۱- قرآن مجید، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات امیرالمومنین (ع).
- ۳- اشعری، ابوالحسن علی، (بی تا)، اللع فی الرد علی اهل الزيغ و البدع، تصحیح غرابه، قاهره: المکتبه الازهریه.
- ۴- آلوسی، محمود، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۵- ابن شهر آشوب مازندرانی، ابوجعفر محمد بن علی، (۱۴۱۰ق)، مشابه القرآن و مختلفه، قم: انتشارات بیدار.
- ۶- ابن عربی، (۱۳۶۶ق)، فصوص الحکم، تصحیح ابوالعلاء عینی، تهران: انتشارات الزهراء.
- ۷- ابن منظور، محمد، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دارصادر.
- ۸- ابن کثیر، اسماعیل، (۱۴۰۲)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۹- اسدآبادی، ابوالحسن (قاضی عبدالجبار)، (بی تا)، شرح الاصول الخمسه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۱۰- بخاری، محمد، (۱۴۰۱ق)، صحیح بخاری، بیروت: دارالفکر.
- ۱۱- پورجوادی، نصرالله (۱۳۷۵ش)، رؤیت ماه در آسمان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۲- پور اسماعیل، احسان، (۱۳۸۹)، معنائشناسی واژه رؤیت با تاکید بر مساله رؤیت الله، نشریه منهج، دوره ۶، شماره ۱۱، صفحات ۱۴۲-۱۲۷.
- ۱۳- پور اسماعیل، احسان، (۱۳۸۹)، درخواست دیدار خدا توسط حضرت موسی (ع)، مجله پژوهشهای دینی، شماره ۲۱، صفحات ۳۲۱-۲۸۱.
- ۱۴- تفتازانی، مسعود، (۱۴۰۹ق)، شرح المقاصد، قم: انتشارات شریف رضی.
- ۱۵- جرجانی، میرسید شریف، (بی تا)، شرح المواقف، قم: انتشارات شریف رضی.
- ۱۶- حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۲)، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم: موسسه امام صادق (ع).
- ۱۷- حکمت، نصرت الله، (۱۳۸۶)، بررسی و نقد دلیل عقلی اشاعره در اثبات رؤیت خدا، مجله حکمت و فلسفه، دوره ۳، شماره ۱۲، صفحات ۷۶-۶۵.
- ۱۸- حویزی، علی، (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- ۱۹- خراز قمی، علی بن محمد، (۱۴۰۱ق)، کفایه الاثر، قم: انتشارات بیدار.
- ۲۰- رازی، ابوالفتح، (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی.
- ۲۱- راغب اصفهانی، حسین، (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم.
- ۲۲- زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی.
- ۲۳- سبجانی، جعفر، (۱۴۱۴ق)، بحوث فی الملل والنحل، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- ۲۴- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه آیت اله مرعشی نجفی.
- ۲۵- سودی، محمد (۱۳۹۳)، رؤیت خدا از نظر اشعری، قم: پژوهشکده باقر العلوم.
- ۲۶- شریف مرتضی، علی (۱۳۸۷ق)، امالی المرتضی، بیروت: دارالکتب العربی.

- ۲۷- شهرستانی، محمد، (۱۳۶۷)، الملل والنحل، قاهره: چاپ محمدبن فتح الله بدران، افسست قم.
- ۲۸- شیخ السلامی، اسعد، (۱۳۵۳ش)، تحقیقی در مسائل کلامی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۲۹- غزالی، ابو حامد محمد، (۱۴۰۹)، الاربعین فی اصول الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۳۰- فاضل قوشجی، (بی تا)، شرح تجرید الاعتقاد، چاپ سنگی.
- ۳۱- فاضل مقداد، (۱۳۶۵)، شرح باب حادی عشر، تحقیق مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران.
- ۳۲- فخررازی، محمد، (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۳۳- فخررازی، محمد، (۱۳۷۵ش)، نقد «المحصل»، تهران: دانشگاه تهران.
- ۳۴- صدوق، محمد، (۱۳۸۸ش)، توحید صدوق، قم: علویون.
- ۳۵- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر جامعه مدرسین حوزه علمیه
- ۳۶- طبرسی، احمد بن علی، (۱۳۸۶ق)، الاحتجاج، نجف اشرف: دارالنعمانی.
- ۳۷- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- ۳۸- طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- ۳۹- طوسی، محمد، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۴۰- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، قم: انتشارات هجرت.
- ۴۱- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۷ش)، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب.
- ۴۲- کلینی، محمد، (۱۳۶۲ش)، اصول کافی، تهران: انتشارات اسلامی.
- ۴۳- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ق)، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الانمه الاطهار، بیروت: موسسه الوفاء.
- ۴۴- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۴۵- ملاصدرا، (۱۳۶۱ش) تفسیر القرآن الکریم، قم: انتشارات بیدار.
- ۴۶- مودب، سید رضا، (۱۳۸۵)، بررسی نظریه کلامی فخر رازی و علامه طباطبایی درباره رؤیت خدا، مجله پژوهشهای فلسفی- کلامی، دوره ۷، شماره ۴، صفحات ۶۵-۷۷.
- ۴۷- نیبان، پروین، (۱۳۹۰)، رؤیت حق تعالی از دیدگاه عرفان اسلامی و مقایسه آن با برخی دیدگاههای کلامی و تفسیری مشهور، مجله الهیات تطبیقی، دوره ۲، شماره ۵، صفحات ۱۴۸-۱۳۱.
- ۴۸- نجار زادگان، فتح الله، (۱۳۸۶)، بررسی و ارزیابی تطبیقی از مبانی و ادله نظریه «رؤیت حق تعالی»، نشریه مقالات و بررسیها، دوره ۴۰، شماره ۸۳، صفحات ۱۳۲-۱۱۳.
- ۴۹- نیشابوری، مسلم، (۱۳۳۴ق)، صحیح المسلم (الجامع الصحیح)، استانبول: دارالطباعه العامره.
- ۵۰- نجفی، محمد جواد و همکاران، (۱۳۹۲)، تطور نظریه اشاعره درباره رؤیت خدا، مجله تحقیقات کلامی، دوره ۱، شماره ۱، صفحه ۳۰-۱۴.
- ۵۱- وحیدی مهرجردی، شهاب الدین و همکاران، (۱۳۹۵)، حدیث رؤیت، نشریه پژوهش نامه عرفان، دوره ۱۵، ص ۲۱۷-۲۴۲.

**Received: 2018/12/30**

**Accepted: 2019/6/10**

## **Viewing God through Relations and Verses with an Emphasis on Views by Mystics and Kalam Theologians**

*Mina Shamkhi<sup>1</sup>, Nancy Saaki<sup>2</sup>*

### **Abstract**

Apparently a number of verses in the Qur'an implies viewing God at the resurrection, such as the verse: "The Wonderful Face of the Nazareth of the Sabbaths" (Resurrection / 23-22); however, the appearance of some other verses, including the verse: "La Turdek al-'Abssar and Hüyükü al-'Abssar & "(Nawam / 103) denies the observation of the Lord. The verse of the Day of Resurrection (23) 'they are observing God' is the point of difference among Asharites, Mu'tazilah, and Twelver, as well as mystics. In this verse, the what of the meaning of the words "ela" and "observer" are carefully attended by commentators. This verse, by turning attention to the word "observer", is one of the documentation of the permission of the permission of the sight of God, including the Ash'arites. The Mu'tazilite and Imami commentators, while explaining the correct meaning of the verse, have declared the Ash'arites' promises incorrect, but they themselves have contradicted the meaning of the verse.

In this research, by documentary and library method, in a comparative analytical method, they try to express the various statements of the commentators and examine the critiques. By collecting all the semantic possibilities together with different narratives, these verses are explained and explained. Been paid.

And the results show that the possibility of "seeing the truth" with the eye, in this world and in the hereafter, is not possible, and from the perspective of the heart, the reappearance, the expectation of reward and rejoicing; the most correct opinion, the expectation of mercy and God's rewards and blessings.

**Keyword:** *The Quran, Similar verses, viewing God, Wisdom, relation, mystics*

---

<sup>1</sup>. Faculty Member, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran. Corresponding Author.  
m.shamkhi@scu.ac.ir

<sup>2</sup>. Faculty Member, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran.